

واحدهای اقتصادی مخلوط

ترجمه از تراکت: «سوسیالیسم و ناسیو-
نالیزاسیون» نوشته ۰۵ گیت اسکالر رهبر
حزب سوسیالیست کارگر انگلستان،
متن انگلیسی چاپ ۱۹۵۷ لندن، از
انتشارات جامعه فابیان صفحات ۳۵-۳۶

در اینجا باید علاوه نمایم که اقدامات بیشتری لازمست. اقداماتی که
غیر از ناسیو-نالیزاسیون کامل یک صنعت و بدست آوردن سهم های
عادلانه در امر توزیع باشد. و این چنین اقدامات باید صد در صد
شامل حال یک قسمت مهم از اقتصاد کشور بشوند. واحدهای اقتصادی دولتی
باید اقدام با اجرای برنامه هایی کنند که واحدهای خصوصی قادر نیستند چنان
ریسکهائی بعمل آورند. و بنا اینکه باید یک نوع واحدهای اقتصادی مخلوط
بوجود آیند که در آنها دولت و اشخاص شریک هم باشند. راههای دیگری
نیز وجود دارد. یکی از این راهها خریداری چند موسسه معین خصوصی از طرف
دولت و تمرکز آنها در یک شرکت بزرگ، بمنظور ایجاد یک واحد مجزا
و سود آورد در یک صنعت بخصوص میباشد. راه دیگر عبارت از بسط و توسعه
فعالتهای صنایع ملی شده فعلی در رشته های دیگر است. مثلا انجمن ذغال
سنگ (انگلستان - یاد داشت ما) باید از روش «معادن دولتی هلند» پیروی
نماید و کارخانجات شیمیائی دائر کند.

درهم شکل نمودن مالکیتها لازم باصرار بیشتر نیست زیرا تفاوت میان
اشکال مختلف مالکیتها از قبیل مالکیت دولتی و یا کنترل دولت بر مالکیت خصوصی
فقط در کمیت آنها میباشد. نکته اصلی اینست که ما نباید تصور کنیم اقداماتی
که بمنظور ایجاد مالکیت اجتماعی است همواره باید شامل حال یک صنعت

کل باشد، تا اینکه آن اقدامات تغییرات ساختمانی در آن صنعت بخصوص ایجاد کرده و موجود تشکیلات بزرگ واحد گردد و آنهم بنوبت موجب تحولات گوناگون دیگر شود. بلکه باید در بعضی از صنایع مالکیت دولتی و یا نیمه دولتی ایجاد کرد و در پاره‌ای دیگر ممکن است واحدهای موجود را بصورت مالکیت عمومی و یا تحت کنترل دولت در آورد. بطور کلی باید نقش دولت در بعضی از صنایع آکتیو (فعال) و در بعضی دیگر پاسیو (غیر فعال) باشد.

در این راه وقتی بمرور زمان و با اقتضای شرایط، صنایع بیشتری ناسیونالیزه (ملی) شدند ما میتوانیم پیش بینی کنیم که تملک اجتماع شامل حال کلیه صنایع نبوده بلکه عبارت از تصاحب سهام گوناگون و مالکیت‌های مختلف الشكل خواهد بود. چنانچه هم اکنون دولت مالک میلیونها خانه مسکونی، جنگل‌های وسیع، هزارها جریب اراضی، موسسات پر قیمت اتمی، کارخانه‌های سازنده وسایل دفاعی و کشتی سازی و تعمیر گاه‌های کشتی با فرعیات، با اضافه صنایع ملی شده است. حزب کارگر پیشنهاد نموده تا مالکیت دولت شامل شش میلیون منازل مسکونی اجاره داده شده از قدیم هم بشود. موجبی نیست که دولت بیش از این مالک بر سرمایه صنعتی و بازرگانی نشده و جای سهامداران پاسیو را اشغال نماید و سهمیه‌های سود و منافع سرمایه‌ای را خود وصول نکند.

شورشی‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اتحاد جدید روش‌ها

در حین جریان انتقال یعنی وقتی مالکیت اجتماعی بتدریج توسعه مییابد، دشواری‌های زیادی پیش خواهد آمد. مخصوصاً در امور مالی و دارائی. ولی تا آنجا که این امر مربوط به فعالیت‌های اقتصادی میباشد، تفکیک امور اداره کردن از مالکیت در صنایع خصوصی و تحول در کیفیت امر اداره کردن، باندازه زیادی جریان عمومی کارها را تسهیل خواهد نمود. این حقیقت که امروزه سهامداران دارای نقش پاسیو بوده و در واقع بدون اختیارات زیاد میباشند و اداره کنندگان میتوانند بدون سهامداران و سرمایه‌داران کار اداره امور را باسانی انجام دهند؛ میرساند که تبدیل سهام خصوصی بمالکیت عمومی بنسبت ناسیونالیزاسیون کامل یک صنعت، آنچنان مسائل جدی و دشواری و اقتصادی و مالی بوجود نخواهد آورد. اگر همانطوریکه من عقیده مندم بزرگترین نقطه ضعف ناسیونالیزاسیون حذف سیستم سودها نبوده و بلکه عبارت از ایجاد تشکیلات عظیمی است که سبب از میان رفتن حس مسئولیت و موجود تضعیف روح رقابت

در بین اداره کنندگان میشود، پس در اینصورت بایستی در پیرامون تغییرات «ساختمانی» که باعث بروز این چنین دشواریها میگرددند، توجه لازم را مبذول داشت. این مورد همچنین سبب میگردد تا در سنجش میان اشتراکی کردن زمین و سرمایه از یکطرف و کنترل عمومی بر اداره کنندگان از طرف دیگر توجه لازم بعمل آید. در دوران آینده که در آن مالکیت اجتماعی بوسیله اتحاد دوروش مختلف ایجاد خواهد شد اگر بعوض ناسیونالیزاسیون کامل که در این بیست سال اخیر بدان عمل شده است، رویه جدید بکار بسته شود، میتواند از آن رویه بنحوشایسته‌ای بصورت يك آلت و ابزار سیاست سوسیالیستی استفاده نمود.

ترجمه از: هر ایر خالاتیان

مرد خدا

«... و روزی واقع شد که الیشع بشو نیم رفت و در آنجا زنی بزرگ بود که بر او ابرام نمود که طعام بخورد و هر گاه عبور مینمود با آنجا بجهت نان خوردن میل مینمود. پس آن زن بشوهر خود گفت اینک فهمیده‌ام که این مرد مقدس خداست که همیشه از نزد ما میگذرد. پس برای وی بالاخانه کوچکی بردیوار بسازیم و بستر و خوان و کرسی و شمعدانی در آن برای وی بگذاریم که چون نزد ما آید در آنجا فرود آید. پس روزی آنجا آمد و بان بالاخانه فرود آمد و در آنجا خوابید و بخادم خود گفت این زن را بسخوان و چون او را خواند او بحضور وی ایستاد. و او بخادم گفت باو بگو که اینک تمامی این زحمت را برای ما کشیده‌ی پس برای تو چه شود ای بابا پادشاه یا سردار لشکر کاری داری. او گفت نی من در میان قوم خود ساکن هستم. و او گفت پس برای این زن چه باید کرد خادم عرض کرد یقین که پسری ندارد و شوهرش سالخورده است. انگاه الیشع گفت او را بخوان پس ویرا خوانده او نزد در ایستاد. و گفت در این وقت موافق زمان حیات پسری در آغوش خواهی گرفت و او گفت نی ای آقایم ای مرد خدا بکنیز خود دروغ مگو. پس آن زن حامله شده در آن وقت موافق زمان حیات بموجب کلامیکه الیشع باو گفته بود پسری زائید...»

باب چهارم: کتاب دوم پادشاهان